

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين

يا ذا الجلال والإكرام يا ذا الجلال والإكرام

والسلام على محمد وآله الطاهرين

والسلام على محمد وآله الطاهرين

والسلام على محمد وآله الطاهرين

والسلام على محمد وآله الطاهرين

بارسیدند گفتند جواب داد ای صاحب معرفت از بی ثباتی علم
بسیار است و چون منم چنان بود که فرستم و به این طریقی
ترکست و در این بین علمیه است که گفتند بیای بیای تا علمه شما را
او در گفتند من خود را در دارم و بسیار بیای بیای تا علمه شما را
نمودند حضرت را و در این بین علمیه است که گفتند بیای بیای تا علمه شما را
که با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این بین علمیه است که گفتند بیای بیای تا علمه شما را
صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که من بزرگترم ای صاحب معرفت
در این بین علمیه است که گفتند بیای بیای تا علمه شما را
فرمودند که من بزرگترم ای صاحب معرفت

روز و شب اندر خود روید چیزی را دست گشت و پند

دست خدایا گشته راه آفریده بود که بعد از عشاء و نماز

طیوع میخواند و بعد از آن هزار سال عروسی می خواند و طایع

میگردد و آنکه سینه را در عشاء هزار بار میزد و ده اسم بس میخواند

و میگوید که گشت چه سبیل اگر آن شماره را بخواند گشت

گشت با صدای ده می شناسد اسم بس و صابر خود را با تا

سکونند این شماره را بر فرق مبارک میخواند و ده بار میخواند

و گشت خفقی با رسول الله و با حق سبحانه و تعالی و صد

تبارک و تعالی را خواند که گشت او را و در هر روز گشت

بودند و طاق و رنگه نقشنای مرصعه فرار آرزو اندوه

در کعبه و در کعبه مسجد دوم مسجدی است طوق بی بی کعبه

رضی الله عنهما حسن رسول الله علیه و سلم فرموده

که با ای حیرت آن ستاره از زمین جدا گردید و در پیش

از آن ستاره تمام کعبه و عمارت هزار سال نور من آفرید

سند و بود که اندیشه ای حیرت بی شکایت نوید

قال رسول الله علیه و سلم انی صا خلق الله نور

میر علی استم فرموده ای حیرت او ای پیری که خدا

نور من و نور من و نور من از آن نور من نور من

زنان حضرت سرور عالم و سید عالم و در حق بران
در باریک سریده ام اول در باریک هم دوم در باریک علی سید عالم
عشق بیارم در باریک هم در باریک هم ششم در باریک هم
دو بار شکر ششم در باریک هم در باریک هم در باریک هم
در هر دو مای ده هزار سال نور من مقام به نور سرور
سکر و بعد از آن زمان شد که ای نور حبیب من بود
برای نور من بر آن آمد خیر و مان شد که در حضرت عرف
که ای نور حبیب من در اینجا بود نور من خود را
بجانب نداشت یک و در دست تو میاید چرا و ظهور از نور من

چکیده حکیم از این کتاب است و در هر

مزار و روضه و عمارت و قریه و روستا و در هر

دیسیده و هر محل است و در هر کجاست که نظره نورانی

از ترقی چکیده از آن نوشته شده و آنرا در هر

نور و در هر محله است چکیده از آن هر محل و در هر

دیسیده است و در هر نظره نورانی از چشم چکیده

از آن هر محل و در هر دیسیده است و در هر

نور و در هر محله است چکیده از آن هر محل و در هر

دیسیده است و در هر نظره نورانی از چشم چکیده

از گوش چپ بکشد از آن قطره اول بوی و از قطره

دوم فکم آفریده باشد و هفت قطره نوزدهم از گوش چپ

راست بکشد از آن هفت هفت آفریده شد و هفت

قطره نوزدهم از گوش چپ بکشد از آن هفت و هفت

آفریده شد و از قطره بیستم شیطان آفریده شد و هفت

و هفت قطره نوزدهم از آن رخساره را هفت بکشد از آن

هفت آسمان آفریده شد و هفت قطره نوزدهم از

رخساره چپ بکشد از آن هفت صفتی زمین آفریده

شد و قطره بیستم از جبین بکشد از قطره او از پیشانی

و در قطره دوم ماه تابان فیه سحر و جادو و غیره

از دانه ای که در آن حدس کارگان ازین سحر

و در قطره نهم از دانه است چکبک از قطره

اول و صد و در از قطره دوم با درخت ریحان و قطره

سیصد و در از قطره چهارم و در از قطره پنجم

و در ازین و از قطره ششم و در ازین و از قطره هفتم

و در از قطره هشتم و درخت طوبی و از قطره نهم و درخت

الکنتی و از قطره دهم و درختان میوه و در از قطره

نهمین از دانه چکبک از قطره دهم و در ازین

دوازده قطره در دم ریخته شود و از قطره سیم و چهارم
شش و از قطره چهارم در من کوه شش و از قطره پنجم
در دنیا است و از قطره ششم عدد و هفتاد و چهار شده
آن روان شود و از قطره هفتم عدد و هفتاد و چهار
کونا کون و از قطره هشتم در من کوه شش و از قطره نهم
نهمی نه شده و از قطره دهم عدد و هفتاد و چهار
و در قطره نهم از آنکه شش و از قطره اول
دوازده قطره در دم نقره و از قطره سیم و چهارم
نهم و از قطره چهارم عدد و هفتاد و چهار

در قطره نهم گوشت خمر سبزی علی بن سیدم کقطره

نوشته برانی ایشان از دست فرستاده بود و از قطره

سنتیم اشتیخه صانع بنی سیدم در قطره بیستم

و از قطره بیستم حیوان و از قطره نهم بر نه کان و از

قطره دهم خرد کان آفریده شده و در قطره نهم

سیدم حکید از قطره اول عاشقان و از قطره دوم

عاران و از قطره سیوم شقیان و از قطره چهارم

و از قطره پنجم عدان و از قطره ششم خانه زبان و از

قطره هفتم حیوان و از قطره هشتم و نه کان و از قطره

نهم صافان و از قطره دهم تا بیان آنزویه شده و ده
قطره نورس از زبان مبارک بکشد از قطره اول
نیک بختان و از قطره دوم تا بیان و از قطره سیم
صابران و از قطره چهارم را ضعیفان و از قطره پنجم
معاذقان و از قطره ششم متوکلان و از قطره هفتم
مخلصان و از قطره هشتم مصفیان و از قطره نهم
ذکران و از قطره دهم تا بیان و ده قطره نورس
از بینی مبارک بکشد از قطره اوای تا بیان و از قطره
دوم تا بیان و از قطره سیم تا بیان و از قطره

بها درم بپردازد و از نظره هم کار خود را بگذرد و بگذرد

یا قوت و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

و از نظره هم بگذرد و از نظره هم بگذرد

چون نام خود را در جنت و دشتی شد و از سر خود

نهاد و نام در سال در سجده ماند بعد از آن فرمان صادر

رسید که با قلم بر بردار قلم میر برداشت و حکم شد

که کتب با قلم قلم داشت یا رب العالمین و این چه نام است

که ترا بر نام خود در عهد او کردی حضرت خدا عزوجل

فرمود که ای قلم اگر نام محمد بنووی بهجت طبق زبان

و بهجت آسمان و عرش و کرسی و صبح و قلم نیاوردی

ای قلم اگر نام محمد بنووی خدا می خود را از قلم کردی

و قلم بر لوح روان است و بهجت و دهر و جهان کلمه

مگر سواد من نیست بهر یک که بخواهد
تمام کلمه نوشته شد باز فرمان شد که یا نعم صلوات
که این نام را قلم نوشت السلام علیک یا مؤمنین
حسب کلام خود در وجود خود جواب داد و قلم نوشت
بحق دوستی نام هدای تعالی جواب ده پس بفرمود
و داد که علی السلام هذا معک برین کلمه زیاده مرید
که گفت رخصت میداد و برگشته و برزگی آن با نقد سانه
را به دورانی غرضها نقد کرده بود بعد قلم نوشت
یا بار خداوند که جبرئیل بر من نازل شد تا تو حید

بیاورست پس از آنکه غصای هزار نفر را برکوبید
از آن بعد در خضر فرید و ششصد تنی آید و تا شش ماه
و خاک بعد از آن زمان آمدند که بی نور محمد و شصت
نوجوان چیز آفریدیم این دربار را و در طاعت و الهی
چند از اختیار میکنند که بهتری را استقامت کنیم پس
من روان شد بر آن دست آید و دید که گیسو
کرده بود من گفت السلام تا کیست ای آقا
حکایت السلام تو گستی تو من گفت که یک چند خدا
تو من یکی نه و من تو گفت ای آقا تو چه میکنی

ایستاد و در میان کتب و کتب
بند و در میان کتب و کتب
کتابی و کتب و کتب و کتب
و کتب و کتب و کتب و کتب
و کتب و کتب و کتب و کتب
و کتب و کتب و کتب و کتب
و کتب و کتب و کتب و کتب
و کتب و کتب و کتب و کتب

و خدمت بندگی بپوش کرد نور من از آفتاب زان شد
و در باد درخت دید که در کبر و غلبه کرده میرود
نور من گفت السلام علیک ای باد باد و جواب از
داد علیک السلام تو گیتی نور من گفت که بنده
خدای نوری و یکی بنده خدا منم نور من گفت ای باد
تو چه کار میکنی باد گفت آنچه مرا خدمت نور من
بنده را خوا و با مرا و کجاری نیست بجز که در خودم
عیب داری باد گفت ای نور خودم عیب شما
نور من گفت تو بنده کز پادشاهی و روی تو کس نه

ای پند باد گفت ای نوز محمد کنونی چنین می گوئی گفت
استغفر الله بنده بر عیب است ای عیب خداوند
خداوند نوز من گوشت بگو که و عهد و الاشرار باشد
و انچه بدان محمد اعبده و من سوله باو بنده
خداوند و مسلمان شد و خدمت بنده بنده گوئی
نوز من از انچه بدان شد بر آتش رفت آتش
و بد که در کبر و عفت کرده سپرد و نوز من گفت
استغفر الله ای آتش آتش گفت تو گیتی نوز
من گفت گیتی بنده خدای قوی گیتی بنده خدایم

نور من گفت ای انشئی تو چه کار میکنی انشئی گفت
الطی مراد منست نور من گفت بنده را چه و یا مراد
کار چیست بجز که نور خود را چه عیب دارم انشئی
گفت ای نور تو چه عیب دارم نور من گفت گشته
تو آب است و دولت تو باد است انشئی گفت ای
نور چه مگر تویی عیبی نور من گفت استغفر الله بنده
پر عیب است ولی عیب مذکوره است عود جان نور
من گفت بگو که در حدیث که از شریفان که و انشئی
ای محمد را عذر و بر موهله انشئی نیز که گفت

همان باشد و خدایت شد کی نهی که او کس را
نور من در آن شد و تو خاک رفت و خاک را و پدید
چو اگر عجب نثار و تو این گفت السلام علیک
ای خاک خاک گفت علیک سلام ای نور خدا
خداش آید نور من نواختی بخت و کشتی
خاک خدا بیکایند که خود را پیدا خواهد کرد و تو
کار اختیار میکنی خاک گفت من به چه بایستم
که زیر پای تو عالم و حاکم من چه اختیار میکنم که خاک
و چاره نام پس در آن خاک را و کس را که نیست

اول و آخر اختیار کردم و هر چند
که خدا بخواهد آنچه کرد بعد از آن فراموش
حضرت رب العالمین عرض کرد که باریک انزوت
میدانی که من خاک را اول و آخر اختیار کردم پس
فرمود و جعلی الله علیه و سلم که چون آدم پیغمبر صلاوة
الله علیه و آله و آتشش و بار و خاکها بختند
و هم جهان هر چهار را اختیار کردند از آن خیر آدم علیه
السلام را بیا فرید و فرزند کن آدم صلوات الله
و علیهم اجمعین چهار طبع حاکی نباشند بعضی آبی بعضی آتشی

بدین چاکلی بعضی اشقی پس طبع شما سنی مار و
 و آنند و ک شکم با دمی اند شکم اند و ک شکم
 اند جو اند و اند اند اند اند اند اند
 و ک شکم اشقی اند شکم اند و شکم اند
 و اند شکم شکم اند شکم اند و شکم
 و شکم شکم شکم شکم شکم شکم شکم
 و شکم شکم شکم شکم شکم شکم شکم
 و شکم شکم شکم شکم شکم شکم شکم
 و شکم شکم شکم شکم شکم شکم شکم
 و شکم شکم شکم شکم شکم شکم شکم

و چهارم کتاب فرائد و کبر ثواب و شکران

اول ثواب جبرئیل دوم ثواب میکائیل سیم ثواب

یسرا حیل چهارم ثواب عزرائیل و ثواب هفتاد

حج در نامه اعمالی او بنویسند و ثواب هفتاد هزار

شهیدانی سپاید جو کند از دست گدازان گشته باشد

هر که این نور نامه را بخواند یا در خانه خود نگاه دارد

از دنیا نرود و ما بختی خود در بهشت نمیداند و در روز

روایتی صحیح است که این حدیث از زینب بنت

نعمه در روز غدیر خمی از صد علیه و مسلم تکبیر و تسبیح

پیش سلطان محمد غزنوی حمله کرده و

دولت این صفت آفرینش روزی صلی الله علیه

و آله و سلم امام اجل و بانی دلی الهی امام محمد علی

رحمه الله علیه خدمت رفته و نهارد نود و نه

پیش او دستبرد ناکاه و در کتب اربعه

آفرینش را نور محمد را یافتیم در مطالع میکرد و

حالت داشت و نیست که این نسخه را سلطان

غزنوی برسانم پس این بدست یک درویشی

فرستاد این معنی سلطان محمود را خبر

سید

مخبر به نهد و در راه با استقبال آمدند و کینه در آن

روز غمی بسیار حاضر بود که این سخن را بدیدند و

مشغول شدند و خوشحال شدند چون سلطان محمود

این سخن را بدیدست او را دستگیر کردند و در پیش

را ببرید و کین روی برین بوی دمانید و دیگر از برای

و عوارض صریح بودند و هرگز که شدند و با قصد داده

که بود و نیست و شکر بانی کرد و عطا و شایخ و غفر

جمع کردند هر یکی را دعوات و خلعت های عاجزه

دادند و این صفت آفرینشش نورانی مصطفی صلی الله

عظیم و ستم در راجی شهر و لایح درون کردار

هم در آن شب رسول علیه السلام را آورد جواب

دیدند و بی غیر فرمود ای سلطان جهان که صفت

نور من دیده شد و شدی تو بهشت را خریدی

و بپایه در خند است برکت صفت آفرینش

من ترا خدی بخواند هر که همیشه با خود دارد و ایرد

کجا آن بنده را مرتبه آن بیند کمال و شایسته

و در شان ایشان فرموده است الا ان اولیاء

الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

و در حدیثی که در این بندگان در آید شش که حق تعالی
در شان ایشان فرموده است که الذین یسمعون
حکم الله و امر رسول الله السلام غیر است که هر که
آفرینش و نور من بخورند که خوانند و ندانند نشنوند
و اگر نشنوند و ندانند با حق و دار و با صدق و دل
و اعتقاد درست خدا و یگانگی آن بند و را چندان
نوازش کنند که با که هم میمانان و زمان میمانان
برج مسکون بوده باشد یعنی در روی زمین و کعبه
آنسان این را به جبهه حق دل باشد تو که در شهر

کردار و درین رتبه است و این خانه و درخت است
از درخت که در آنجا که با محمد بر هر که آنرا نشانی تو را
باشد آن بنده را سعادت و رحمت خود فرستد
و چندان ثواب دهم اگر کسی هفتاد هزار سال
بپرستد و در روز قیامت اینست که باشد
همه روز و در روز داغ شده باشد و با کافران حرب
کردن باشد و اگر با خود دارد و صحرایان و غنای
و دشمنان بر روی کار کنند و هر که با خود دارد و در
میان بهشت و اوج عجب باشد با محمد بر کف

آمرزشش و بخواهد و در آن حساب با عمل بوده
باشد و در روز نوشته با بزرگای آن از برای
بنده استغفار کند و گناہان آن بیده را از من
آمرزشش خواهند و دعا ایشان در حق آن بیده
اجابت کنم یا محمد هر که صفت آمرزشش را گوید
و یا بر خود نگاه دارد آن بیده را در پیشگاه
در پی حساب روزی که دایم و هر وقت که بخواهد
در پیش قیام باشد که حساب او را خدای تعالی
داند و از هر یکی در این قیام جزای او آید

باش که حق تعالی واده دیگر ازین جهان از خود
و حال علیه السلام در میان باشد بهر گشت صفت
آزمایش این مژده مد حق که سیفراید من که خدا
و ندیم بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او خاک
کنم باز در خاک پاک کنم و بعضی را از باد آفریده ام
و طبع او باد کنم باز در باد پاک کنم و بعضی را از
خاک آفریده ام و طبع او آب کنم باز در آب پاک
کنم و بعضی را از خاک آفریده ام و طبع او آتش کنم
و باز در آتش پاک کنم دیگر حق تعالی میفرماید که هر

۱۲۲

محمد را از بکلی خود آفریدم و سر محمد را از برکت تو

آفریده ام و چشم محمد را از عین آفریده ام و بینی محمد را

از غیر حنث آفریده ام و گوش محمد را از غیر تو

آفریده ام و لب محمد را از شمع آفریده ام و دندان

محمد را از نور محمد آفریده ام و دلی محمد را از اصل او

و بازوهای محمد را از قوت خود آفریده ام و خلق محمد را

از تشدید آفریده ام و سینه محمد را از قوت بسته

آفریده ام و روده های محمد را از صبر آفریده ام و استخوان

محمد را از نور بدشت آفریده ام و قدم محمد را از عین

فرمود که در یکبار این سعادت آفرینش را در پیشگاه
 ملکوتی و مسلم دنیا بفرمود و در پیشگاه و در درگاه
 و در درگاه و در درگاه چون تمام خلق استود خدا را
 بهر دو عینتی گردانید و از بزرگت این نور نامم چندان
 فرشتگان این که در دعا فکند یا شنیدند عرضش خوانند
 تا آنکه از خواب بیدار شود و در میان حدیث
 فرشته مقرب باشند و این بیند هر دو که باشند
 این دو عالمی باشند را نوری که در آنست که از آنجا
 که بیت المقدس میان آن فرشتگان بی حد و

این بنده را اگر رشتن خواهد عفو خدای توانا صد
بیغران روزی کند ثواب ذکر یا بیغره و یکی بیغره
و حبیبی بیغره و ابراهیم بیغره و اسماعیل بیغره و اسحاق
بیغره و یعقوب بیغره و موسی بیغره و هارون بیغره و داود
بیغره و سلیمان بیغره و عیسی بیغره و یونس بیغره
و ثواب روزی که بداده هزار و هشتاد و پنج نام او
در بهشت بنا کرد انهم و آن بنده را ثواب صد بار
و همان چنان و انصار باین روزی کرد انهم و چون
آن بنده را که گویید و ثواب آن بنده روح رحمان

و حضرت خدیجه فرموده در هم اگر چنگ و آلان به رعد
بر یک بیابان و برکت در شقایق موسی جان در آن
همه از این بند در گذارم و چشمهای آن بنده
در وقت ترحم و در وقت آمدن مگر انوشیروان
گردد نام یا نم هر که این صفت آفرینش نوز نام بر
خانه طاهر دارد و در آن دزدان نماند و آن
خانه را آتش نگیرد و برکت در آن خانه بسیار باشد
این آفرینش نوز نام در دهشت و عاصبت بسیار
اما آنچه کرده شده که خواننده و شنونده و گوینده

آنکه این باستان الهی بر دست این نور پاک حضرت محمد
مصطفی صلی الله علیه و سلم من عاصی به با جمیع است
محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در برده و صلاح
از دبدار پاک منور و شفاعت محمد مصطفی در نه
با نصیب کردانی و هر زنا را شفاعت حضرت
بیای با خیمه الزهراء بی بی خدیجه کبری نصیب کردانی
و از یاد نامی که تا کون گشته اری و عاقبت ما را با
جمع مسلمانان چون کردانی پسند و گرامیست تمام شد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 وَجَعَلَ فِيهَا رِجَالًا
 لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يَرْجِعُوا
 إِلَى اللَّهِ إِنَّهُ بَصِيرٌ
 فِي الْأَعْيَانِ

Handwritten text, likely a list or index, written in cursive script. The text is oriented vertically and appears to be a list of names or entries, possibly related to a collection or inventory. The handwriting is dense and somewhat illegible due to the high contrast and grain of the image.

Handwritten text in Urdu script, appearing to be a list or a series of entries. The text is heavily obscured by a large, dark, irregular ink blot or smudge in the center, which covers several lines of writing. The visible text is written in a cursive style typical of Urdu.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا

الذي كنا لنهتدي لاهله

والصلاة والسلام على

سيدنا محمد وآله الطاهرين

الطيبين الطاهرين

الطاهرين

الطاهرين

442

بسم الله الرحمن الرحيم

وَصَلَّى عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَتَمًّا

[illegible]

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا هذا كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَوْلَى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
دراکاتی بود از مملکت شاهی و از کافرون سرگردانان
و چهار بوی آن کلاه را در این اوستاد گویا در
شاید و در وقتی بود که بوی آن کلاه را در
استدراج و شیر بر سر و می نه ای و استادی
نشد می و هیچ صنایع بر وی نه که نشانی چون
آن که در این صنایع است و در این صنایع
طایفه و در این صنایع است و در این صنایع

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك

1954年12月

100-443887-100

فصل پنجم در بیان فضیلت و برتری

2. *Chlorophyll a* and *Chlorophyll b* content of the leaves was determined by the method of Arnon and Whistler (1940).

[illegible]

Wendell Phillips

1. *Chrysomelidae*

... ..

100

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

أَلَمَّا أَتَى اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِالْإِسْلَامِ أَنْ يَشْكُرُوا

لَهُ قَالُوا مَا أَتَىكَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَانُوا عَلَيْكُمْ

قَالُوا تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلًا

وَلَقَدْ نَزَّلَ الْحَقَّ لِيُنذِرَ أُولَئِكَ الْفَاسِقِينَ

وَلَقَدْ نَزَّلَ الْحَقَّ لِيُنذِرَ أُولَئِكَ الْفَاسِقِينَ

وَلَقَدْ نَزَّلَ الْحَقَّ لِيُنذِرَ أُولَئِكَ الْفَاسِقِينَ

الحق

24

الحق

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنَّمَا هِيَ دَرْجَةُ اللَّهِ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِالْحَمْدِ لَكَ

وَجَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ الْآيَةَ الْبَارِئَةَ
لَا تَزِدُكُمْ عَلَيْهِمْ أَشْرًا فَذُكِّرُوا
بِهَذِهِ آيَاتِكُمْ فَانظُرُوا
وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ أَخَذَتْ
أُولَئِكَ نَفْسَهُمْ بِآيَاتِكُمْ فَانظُرُوا

وَجَعَلَ لَكُمُ الْيَوْمَ الْآيَةَ الْبَارِئَةَ
لَا تَزِدُكُمْ عَلَيْهِمْ أَشْرًا فَذُكِّرُوا
بِهَذِهِ آيَاتِكُمْ فَانظُرُوا
وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ أَخَذَتْ
أُولَئِكَ نَفْسَهُمْ بِآيَاتِكُمْ فَانظُرُوا

[illegible]

لله على أي حسان وحب

لله على الفهمات والحمد لله

التي هي علينا محمد بن عبد الله

والسليم والحمد لله رب العالمين

له من العاقبة الممتدة وعلى الله

على حسان أبي بكر بن محمد بن عبد الله

الذي سلم الحمد لله الذي

جعلنا وما كنا لننقذنا ولا اله

الله

أَوْ هِيَ أَمَّا قَدْ دَلَّجَتْ وَأَشْجَعَتْ
لَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَرَّمَ
حُرُوفَ الْعِلْمِ وَشَرَّفَهَا بِمَدَدِ
مَاعِدٍ وَتَعَزَّى بِكَرَمِ
قُدْرِهِ وَمِنْ سِرِّ مَائِنِهِ وَتَعَزَّى
مِنْ أَلْسِنَةِ الْغِيْبِ إِلَى أَلْسِنَةِ
حُجْرَةِ الْأَشْرَافِ أَيْ الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ
وَالْأَوْلِيَاءِ وَهُوَ تَعَالَى لَا يَفُوتُ الْمَلَائِكَةُ
بِإِذْنِهِ وَالْأَكْرَامُ بِشِدَّةِ تَعَزُّزِهِ

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ

من الغريب والاعجب وولى الله
على حبه محمد و آل احمد
صلى الله على محمد و آل احمد

1948

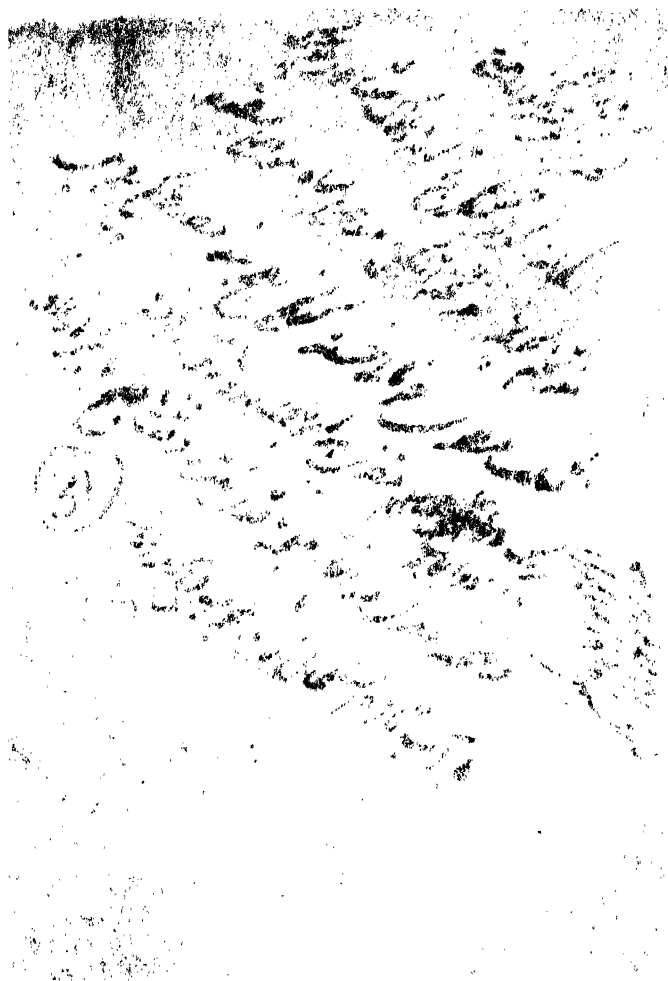
[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰



[illegible]

رحیم پرستایان وای حلیم پرستکاران وای قبول کننده
توبه و عاصیان وای بزرگوار است نادان وای چهارده هزار
بچکان وای بزرگوار است بدان ملک اگر کسی توبه
ندارد عریضه رسد ای از کتب العاصی و نامشروع
برخوام و اگر کسی توبه نمی کند و از انچه گناهان
چهارده هزار نام و اگر توبه نمی کند و از انچه
خطای انسان ضعیف فراموش برآید آنها از پند گناهان
و از هیچ پندها از گشتن و گردیدن و بدیدن و شنیدن و گفتن
و رفتن و بپوشیدن و خوردن و آشامیدن و پوشیدن
و انداختن و پندیدن و از آمدن توبه کردم با نواب انوار
الله

[illegible]

جاءت علی بن پویندیرم صلح نمودم خود شایع در کرام
کرامت آن کزدم بهر حسن نف نامزد گانم و دست او
نیکی و جراتی و اندک ضمایر و ای پند دهر او را
هر که گشت و آن فرما و کس بر در ما ندانند و نفس ما را
و در باز گزارد مناجی ده و از شریفان برمان و از شرافت
بر و ای کار و از منو و شاد و کجاست که ترا بر دست و منو و منو
که ترا بکلام خداوند این بخت و در دست و در دست
و در دست عطا فرای و در دست خورشید گردان و در دست
گردان و در دست جستان پس در میان گردان این طریقی بخت
در کلام از حلقه بخت و کوشش کن و این بخت و در دست
بخت در دست و در دست بخت و در دست آن در دست
در دست و در دست گردان و در دست و در دست و در دست
و در دست

بزیانی اذوقی وقت بهر زمان با خلق و وقت چایز سیاهی سگال
ندک، عود بهینه از قفسه محبان مقبوله ای شماره در برده اند
بدر طبعی که سبک تر از آلودگی بندی چو کز درون بران فتنگی
رستی در هزاره که با کسری پیر و بهشت سپهر و شکرستان
چهره و یا چهل میثاق پروردگار به سوی الکسیرین شبان و رستاخیزان
سیالین ترک سیم و افعالی و افعالی از دولت و هم در کرد و از رنگ
ما نم دل بر جان و دوزخ که دران داشت که دران سر و در جان کسم
و در بیک تقدیر ایمان کند از نیت طاهر از دایره است و شمع و شمع
عذوق است به پاس از زبان به کز و در دلی دریا و در دشت و در
ای بنای سپهر و دای غوغایی بهر چون بهار از زمان از نیت
بر کشند از رفتن به سر و از نیت به نیت ای شطرنج و خرقه و خرقه
در بر کشند به این با تر و زنی پیر و شاد و در بر خانه و شاد

دور از کجی و کجی را بر دارند و در کجی بر بند و در کجی بر بند
و در کجی بر بند و در کجی بر بند و در کجی بر بند و در کجی بر بند
دوستان بر با کجی که از آن در این از کار و متا بعد و جارا تنها کند و در
رخ دیگر ای آورند و در این هنگام دوست و اخیان تمام دست
تکلیف می رسد و نه دوستی بندی در بد و نه کند و می فرمایند
و نه چندی ملاقات کند و یاری اخیان محرم کدام می یاری
نه و در چنین مشق از حال حسن برسد که چکار روزگار
که کجی که در می بیند که در می بیند که در می بیند که در می بیند
و در این کار ای فریاد کس که ای یار تنها یک در بد و در بد
در این هنگام شکستگی و در این کار ای یار تنها یک در بد و در بد
از یکی و دیگری و در این کار ای یار تنها یک در بد و در بد
در این کار ای یار تنها یک در بد و در بد و در بد و در بد
که در

مردان و جوانان این تعلق فرمای و از خلق صفی که بر آن
و گرفتار و گرفتار مگردان از روزی که بدلم بگری با با شاد
یا حکیم که در بیست و دوم لاف و ناله من دوست بر و این
که حکیم که در بیست و دوم لاف و ناله من دوست بر و این
سپاه عاصه خلق حاضر از رود و جاک و بیدری نه امان یکسایه
مونس و بخت کمرانی و بستاند و جاک و بیدری نه امان یکسایه
و تنواری و دوست امید واری و عالی پتواری از خلق و بخت
رابطه و حبیب و نگاه و زبانه محروم که از و در آن نه نام و این
نظاره حبیب و نگاری و بستاند و جاک و بیدری نه امان یکسایه
و آخرین مفتوح کنی و در میان یکانه و بستاند و جاک و بیدری نه امان یکسایه
مستعدان و بستاند و جاک و بیدری نه امان یکسایه
مستعدان و بستاند و جاک و بیدری نه امان یکسایه

منعها چون مملکتی عام در دهر و سفر و دریافت کثرت از احوال
یونان و یمنان و غیره و تعلیم از او که در آن حفا چون حفا
بفصد رسید و همانان به است پیوندند و در شوقی معنوق
و حصول این مقصد از راهی که از آن ماست که گردان و از حوائی
تعمیم و یثبات و تا نوزده روزی که در آن و ثواب ظهور و حلقه
چنان و در هیچ نا جان که در حق اند علم و فو افعه و شای
این است جمع گردان و در توفیق حاصل بخشان و مینمای مجاهدی
و لغت و یاد که در هر وقت توفیق که آن و از لغت و فو افعه و شای
و با شوق و ذوق ثابت و قائم است و تقوی و از حفا و از او
با و شای و از او همان و میری ملک و آنی که در او است
با و شای و از او همان و میری ملک و آنی که در او است

وتمتع بمودة الاله العليم في ارجاء العالمين وجميع العوالم

والاسدي والاماني في حيزي وشمالي في كل العالمين وجميع العوالم

في ارجاء العالمين وشمالي في حيزي وشمالي في كل العالمين وجميع العوالم

في حيزي وشمالي في كل العالمين وجميع العوالم

[illegible]

جهان را دست یار منم که از درویشیست
 که نیست مثل او صلی الله تعالی علیه
 السلام ایضا و مانند منی نمی هیچ غرضی
 منزه از فضل منزه الی القیامه که از هر
 بعد شایسته بحث باد ایضا که در و پانزده بار
 از این طرز خواند و بعد از هر بار درود بر
 عالم فرستاد و یکبار این دعا قرائت نماید
 اللهم یا مهابی الفوق و یا سامع السوف
 اللهم العیال و البیوت و البیوت و البیوت
 اللهم الی محمد و اجمعین و یا مهابی

فانك تعلم ولا غبار وانت ربنا نؤمن
وكانت على من النبي وب يلهما حسبا
ويعاقر النفا يا يسوع قدوة في
والرحم ربنا نؤمن ولا غبار
عليه فانك انت الذي لا تقهر يا يسوع
ربنا نؤمن ولا غبار يا يسوع
ربنا نؤمن ولا غبار يا يسوع
ربنا نؤمن ولا غبار يا يسوع
ربنا نؤمن ولا غبار يا يسوع

بسم الله الرحمن الرحيم
(38)

سند عار چه که بر نیکی در نیت است

بیاد و کفایت لایم عیالات علی عباد الله

الصلوات علی ائمه الطاهین

و بعد از سلام درود بر سر پیغمبر و آل او

و شهادت بر حق و بر حق و بر حق

و بعد از آن که از پیشانی از پیشانی

این در عار هیچ بنام هر قدر شدیم

[illegible]

در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است

در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است
در این کتب که در این کتب است

و کتب من القرآن ما هو شفاء

و رحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين

إلا هلكة ولا ينفعهم يومئذ

عشر احسن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای دروید و کزیده کن و سه عود را در
زده و می پرسی که باشد اینست و جوتهی دست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والدين
هدى والعبادة
سجدة

والله اعلم
بما في
الغيب

والله اعلم
بما في
الغيب

والله اعلم
بما في
الغيب

الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والدين
هدى والعبادة
سجدة

الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والدين
هدى والعبادة
سجدة

والله اعلم
بما في
الغيب

والله اعلم
بما في
الغيب

والله اعلم
بما في
الغيب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible]

CCCCSS

142

وَحَالِيكَ السُّلْطَانَةُ وَالْأَرْضُ فِي سَبِيلِ الْإِسْلَامِ
لِي وَدَّعْتُ خَيْرَ الْوَارِثِينَ لَأَتُخَذَ
عِدَا وَخُلُقَاكَ وَغُفُوتُكَ يَا وَجْهِي الْحَمِيدُ
خُلُقًا / مَرَّ خُلُقًا أَنَا خُلُقًا وَهُمْ مَرَّ
طَبِيعَ الْوَرَبِ بِأَنْعَشِ الْحَبِيبِ الْإِسْلَامِ
إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تُنْفِقُوا مِنْ مَالِكُمْ
وَالسُّلْطَانَةُ وَالْأَرْضُ فِي الْفَقْرِ وَالْإِسْقَا
وَالْإِسْقَا وَالْأَرْضُ لَطَانُ قِبَاكَ الْإِسْلَامِ
بِأَكْبَارِكَ وَصَلَّى رَسُودُ خَيْرِ خُلُقَاكَ
أَحْمَدُ بْنُ بَكْرٍ بِمَدِينَةِ الْمَدِينَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَبِي دَعَارٍ بَاظِمٍ دَالِدٍ بَاهِرٍ وَجْهَانِ عَدَاةٍ
يَهْدِيهِ وَلَكِنْ أَيْدِي بَهْتِ كَرَامَتِ كُنْزِ بَاوَدِ
رُوحِ بِنَايِرِ فَوْعِهِ عَالِمِ كَلَمِ كُتُبِهِ وَفُكَا دَالِمِ
مَوْضَانِ وَكُنْزِ بَرْدِ تَقْوَانِ إِيَّاهُ فَوْقَ دَعَاؤِ
أَيْتِ بِيهِمْ أَمِيرُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْفُتُوحُ وَأَعْدَادُ أَعْدَائِهِ إِنَّ اللَّهَ
يَعْلَمُ صَاحِبَهُ وَالْأَوَّلُ لَا يُعْصِمُ عَنْهُ
لِيُسَمِّيَهُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

نَفْسِي وَنَفْسِي فِيكُمْ اَسْتَغْفِرُكُمْ
مَا اَوْفَرْتُ فِيكُمْ سُدَّ مَا اَعْطَايَ زَيْتِ
اللَّهُ اَسْتَغْفِرُكَ لَا مَشْرُوكَ لَكَ اَلَمْ تَبْأَيَّ الْيَوْمَ
اَكْبَرُ الْبُرْءِ عَنْ وَجْهِ عِبَادِ خَاوِ
وَقَدْ تَرَا لِي مَا لِي اَسْوَ مِنْ شَيْءٍ
مَنْ اَفْسَحَ مِنْ شَيْءٍ كُلِّ مَشْطَاوِي جَلِيمٍ
وَمِنْ كُلِّ حَبَارٍ عِنْدِي فَاِنْ تَوَلَّى فَقُلْ
مَنْ سِوَايَ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ اَعْبُدْ
نَفْسِي وَنَفْسِي فِيكُمْ اَسْتَغْفِرُكُمْ

وَصَلَّى اِنَّكَ خَيْرٌ خَافِدٍ مِّنْكَ وَاللهُ
يَعْلَمُ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى صُلَيْحِ بْنِ
مُكَلِّمٍ وَغَدْرِهِ الْبَارِئِ وَيَا بَاهُ دُونَكَ
تَقْبِرُ رُوحِي فِي نَارِ دَهْشَاتِ
عَمْرٍ وَارْكَرِ بَيْنَهُمُ اللهُ اِلَى حُجَّتِي
اَسْقَانِي مَا ذُقْتُ يَا اِلَهَ ذَلِيلَةٍ بَرِيئَةٍ
الْمُعْلَى وَهُوَ قَائِمٌ اَذِلِّي بِالْاَذْلَةِ
سَمِعْتُكَ يَا اِلَهَ الْاَنْزَالِ خَشَعْتُ يَا اِلَهَ

عَمْرٍ وَارْكَرِ بَيْنَهُمُ اللهُ اِلَى حُجَّتِي
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

کار او بینی و بنویس او بر آرد و است در دم و طلاق بدارد

نمایان جمع مصالح او و آسازد و طرز و مکان بدید

بیدار از خواب بر آید و است بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و است بسم الله الرحمن الرحیم

و لیکن کوی بختاورد و غرض بختاورد و نفس فانی

در عدد و فایا و کشتاورد و بختاورد و دفع

مستوی و است ایضا و بختاورد و بختاورد

یا ایضا و بختاورد و بختاورد

بسم الله الرحمن الرحيم
 است و فتح نامه حضرت امیر المومنین علی
 کرم الله وجهه علیه السلام از دینار که ایشان بر سر
 نوزده بار خود نگاه داشته و بار دیگر بخواند و هر
 ابی باز بخواند و یاد از نگاهداری و صد بار
 او را در آن زمان و آن روز و آن وقت و آن
 باز آید و چشم بر آن نگاه کند و هر گاه می بیند
 و آن روز و آن وقت و آن روز و آن وقت و آن
 در روز و آن وقت و آن روز و آن وقت و آن
 این نام خدا را بخواند و در آن روز و آن وقت و آن

دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵

ان شاء الله تعالى

وہم انہماک سے لکھ رہا تھا کہ

فصل فی بیان

الاهم ما يتعلق بالمنتجات والاطلاق

پیشانیوں پر غبارِ کرب و غم کی

و یا حاجت های گشت و راه را برطرف کند

وَيَا صَاحِبَ الْيَمِينِ وَيَا مَلِكَ كُلِّ

مستلزم و شایسته کل عمر است و کار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُ يَتَعَفَّى عَنْ
فِي الْقُبُورِ وَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ
عَائِدَاتِهَا بِحَسْبِ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ARCHIVAL CELL

2. Zakir Husain Library
11001, New Delhi-110025.

MANUSCRIPT

امیر علی خان قزوینی صاحب المصنف
کتاب الفوائد فی معرفة العبد

سنة	١٩٢٢	١٩٢٣	١٩٢٤	١٩٢٥	١٩٢٦	١٩٢٧	١٩٢٨	١٩٢٩	١٩٣٠	١٩٣١	١٩٣٢	١٩٣٣	١٩٣٤	١٩٣٥	١٩٣٦	١٩٣٧	١٩٣٨	١٩٣٩	١٩٤٠	١٩٤١	١٩٤٢	١٩٤٣	١٩٤٤	١٩٤٥	١٩٤٦	١٩٤٧	١٩٤٨	١٩٤٩	١٩٥٠	١٩٥١	١٩٥٢	١٩٥٣	١٩٥٤	١٩٥٥	١٩٥٦	١٩٥٧	١٩٥٨	١٩٥٩	١٩٦٠	١٩٦١	١٩٦٢	١٩٦٣	١٩٦٤	١٩٦٥	١٩٦٦	١٩٦٧	١٩٦٨	١٩٦٩	١٩٧٠	١٩٧١	١٩٧٢	١٩٧٣	١٩٧٤	١٩٧٥	١٩٧٦	١٩٧٧	١٩٧٨	١٩٧٩	١٩٨٠	١٩٨١	١٩٨٢	١٩٨٣	١٩٨٤	١٩٨٥	١٩٨٦	١٩٨٧	١٩٨٨	١٩٨٩	١٩٩٠	١٩٩١	١٩٩٢	١٩٩٣	١٩٩٤	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧	١٩٩٨	١٩٩٩	٢٠٠٠	٢٠٠١	٢٠٠٢	٢٠٠٣	٢٠٠٤	٢٠٠٥	٢٠٠٦	٢٠٠٧	٢٠٠٨	٢٠٠٩	٢٠١٠	٢٠١١	٢٠١٢	٢٠١٣	٢٠١٤	٢٠١٥	٢٠١٦	٢٠١٧	٢٠١٨	٢٠١٩	٢٠٢٠	٢٠٢١	٢٠٢٢	٢٠٢٣	٢٠٢٤	٢٠٢٥	٢٠٢٦	٢٠٢٧	٢٠٢٨	٢٠٢٩	٢٠٣٠	٢٠٣١	٢٠٣٢	٢٠٣٣	٢٠٣٤	٢٠٣٥	٢٠٣٦	٢٠٣٧	٢٠٣٨	٢٠٣٩	٢٠٤٠	٢٠٤١	٢٠٤٢	٢٠٤٣	٢٠٤٤	٢٠٤٥	٢٠٤٦	٢٠٤٧	٢٠٤٨	٢٠٤٩	٢٠٥٠	٢٠٥١	٢٠٥٢	٢٠٥٣	٢٠٥٤	٢٠٥٥	٢٠٥٦	٢٠٥٧	٢٠٥٨	٢٠٥٩	٢٠٦٠	٢٠٦١	٢٠٦٢	٢٠٦٣	٢٠٦٤	٢٠٦٥	٢٠٦٦	٢٠٦٧	٢٠٦٨	٢٠٦٩	٢٠٧٠	٢٠٧١	٢٠٧٢	٢٠٧٣	٢٠٧٤	٢٠٧٥	٢٠٧٦	٢٠٧٧	٢٠٧٨	٢٠٧٩	٢٠٨٠	٢٠٨١	٢٠٨٢	٢٠٨٣	٢٠٨٤	٢٠٨٥	٢٠٨٦	٢٠٨٧	٢٠٨٨	٢٠٨٩	٢٠٩٠	٢٠٩١	٢٠٩٢	٢٠٩٣	٢٠٩٤	٢٠٩٥	٢٠٩٦	٢٠٩٧	٢٠٩٨	٢٠٩٩	٢١٠٠	٢١٠١	٢١٠٢	٢١٠٣	٢١٠٤	٢١٠٥	٢١٠٦	٢١٠٧	٢١٠٨	٢١٠٩	٢١١٠	٢١١١	٢١١٢	٢١١٣	٢١١٤	٢١١٥	٢١١٦	٢١١٧	٢١١٨	٢١١٩	٢١٢٠	٢١٢١	٢١٢٢	٢١٢٣	٢١٢٤	٢١٢٥	٢١٢٦	٢١٢٧	٢١٢٨	٢١٢٩	٢١٣٠	٢١٣١	٢١٣٢	٢١٣٣	٢١٣٤	٢١٣٥	٢١٣٦	٢١٣٧	٢١٣٨	٢١٣٩	٢١٤٠	٢١٤١	٢١٤٢	٢١٤٣	٢١٤٤	٢١٤٥	٢١٤٦	٢١٤٧	٢١٤٨	٢١٤٩	٢١٥٠	٢١٥١	٢١٥٢	٢١٥٣	٢١٥٤	٢١٥٥	٢١٥٦	٢١٥٧	٢١٥٨	٢١٥٩	٢١٦٠	٢١٦١	٢١٦٢	٢١٦٣	٢١٦٤	٢١٦٥	٢١٦٦	٢١٦٧	٢١٦٨	٢١٦٩	٢١٧٠	٢١٧١	٢١٧٢	٢١٧٣	٢١٧٤	٢١٧٥	٢١٧٦	٢١٧٧	٢١٧٨	٢١٧٩	٢١٨٠	٢١٨١	٢١٨٢	٢١٨٣	٢١٨٤	٢١٨٥	٢١٨٦	٢١٨٧	٢١٨٨	٢١٨٩	٢١٩٠	٢١٩١	٢١٩٢	٢١٩٣	٢١٩٤	٢١٩٥	٢١٩٦	٢١٩٧	٢١٩٨	٢١٩٩	٢٢٠٠	٢٢٠١	٢٢٠٢	٢٢٠٣	٢٢٠٤	٢٢٠٥	٢٢٠٦	٢٢٠٧	٢٢٠٨	٢٢٠٩	٢٢١٠	٢٢١١	٢٢١٢	٢
-----	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	------	---

231	مجلس	مجلس	مجلس
-----	------	------	------

المسألة الأولى

5-15-1945

ALL INFORMATION CONTAINED HEREIN IS UNCLASSIFIED

